

وقتی که امام حسن مجتبی صلح کردند با معاویه، یک عده‌ای می‌آمدند گله میکردند و اعتراض میکردند. حضرت میفرمودند که: «ما تَدْرِي لَعَلَّه فِتْنَةٌ لَّكُمْ وَ مَتَاعٌ اِلَى حِينٍ»؛ این تا یک وقتی است، این موقت است. یعنی در کلمات امام حسن مجتبی (علیه السلام) اشاره شده به اینکه این حادثه، این تسلط کفر و نفاق، بنا نیست دائمی باشد؛ در تقدیر الهی این موقت است.
۱۴۰۴/۰۲/۰۴

▼ حرف روز

شنبه سرنوشت‌ساز مسقط

آن گونه که دو طرف مذاکرات هسته‌ای اعلام کرده‌اند، مذاکرات دور اول و دوم که در مسقط و رم برگزار شد، سازنده و رو به جلو بوده است. با این حال، این نکته مهم را باید در نظر داشت که مراحل اول و دوم مذاکرات با وجود آنکه مثبت ارزیابی شده، تمرکز مباحث بر سر کلیات بوده است. کار هنگامی دشوارتر و پیچیده‌تر خواهد شد که ابعاد فنی و کارشناسی ماجرا به موضوع مذاکرات تبدیل شود؛ اتفاقی که از امروز، شنبه در مسقط آغاز خواهد شد. مذاکرات کارشناسی بنا بود از روز چهارشنبه شروع و کار برای نشست مسئولان عالی آماده شود؛ اما به دلایلی که جای بحث این‌جا نیست، تصمیم گرفته شد نشست‌های کارشناسی با مذاکرات غیرمستقیم «عراقچی» و «ویتکاف»، به صورت همزمان برگزار شود.

نشست امروز، شنبه از این حیث اهمیت ویژه دارد که تعیین‌کننده مسیر آینده است. عبور موفق از بحث‌های کارشناسی، یعنی تداوم مسیر سازنده مذاکرات هسته‌ای و البته با سرعت بیشتر. از آن سو توقف در این بخش و پیدایش تعارضات، شانس رسیدن به توافق را به صورت چشمگیری کاهش خواهد داد.

تیم مذاکره کننده جمهوری اسلامی ایران در نشست‌های کارشناسی با چند مسئله اساسی روبه‌روست که به نوعی خطوط قرمز نظام جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید. برای نمونه، تداوم غنی‌سازی در داخل کشور هرگز از طرف تیم مذاکره کننده ایرانی قابل چشم‌پوشی نخواهد بود. بدیهی است به رسمیت نشناختن غنی‌سازی از سوی طرف آمریکایی به شکست زود هنگام مذاکرات معنا می‌شود؛ شکستی که ناشی از رفتار زیاده‌خواهانه آمریکایی‌هاست.

از آن سو پایدار بودن توافق یک اصل اساسی برای جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید. بی‌اعتمادی سربازان عرصه دیپلماسی کشور به طرف آمریکایی برخاسته از یک تجربه و حقیقت تلخ است. این دولت آمریکا و از قضا همین رئیس‌جمهور کنونی آمریکا بود که در ۱۸ اردیبهشت سال ۱۳۹۷ از توافق هسته‌ای که به تأیید شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز رسیده بود، خارج شد. پرسشی که در مذاکرات اخیر به درستی نماینده عالی نظام در مذاکرات غیرمستقیم از طرف آمریکایی پرسیده، همین است که چه ضمانتی وجود دارد که با فرض دست یافتن به توافق، آمریکایی‌ها همان کاری را نکنند که پیشتر ترامپ با برجام کرد؟

به هر ترتیب، به نظر می‌رسد مذاکرات هسته‌ای غیر مستقیم میان ایران و آمریکا به مرحله حساس و سرنوشت‌ساز خود رسیده است. در شنبه سوم مذاکرات، این حقیقت روشن می‌شود که طرف آمریکایی آن گونه که تبلیغات می‌کند، آیا اراده سیاسی برای حل مسائل را دارد یا خیر؟ **[عزیز غضنفری]**

▼ گزارش روز

واقعیت‌های یارانه پنهان

شاید بتوان ریشه ماجرای یارانه پنهان را به سال ۱۳۸۴ و تصویب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ ارجاع داد؛ نقطه‌ای که نظام تصمیم گرفت از اقتصاد دولتی فاصله گرفته و با خصوصی‌سازی، مسیر جدیدی برای توسعه ترسیم کند. این روند از سال ۱۳۸۶ با واگذاری صنایع بزرگ تسریع یافت. هرچند ساختار معیوب اجرایی، پدیده‌ای به نام «خصولتی‌سازی» را به وجود آورد، اما تغییری بنیادی در نقش دولت در اقتصاد رقم خورد. پیش از این تحولات، دولت خود منابع را تولید و با قیمت پایین به مردم عرضه می‌کرد؛ مدلی که با وجود مزایای کوتاه‌مدت، موجب هدررفت گسترده منابع و ایجاد مانع در مسیر رشد اقتصادی می‌شد. با تغییر وضعیت، مسئله مهم، نحوه تنظیم رابطه بین دولت و شرکت‌های خصوصی بود تا هم کارآمدی اقتصادی تضمین شده و هم رفاه مردم حفظ شود.

بر این اساس، برای بهره‌وری بیشتر و ارتقای رفاه مردم قانون هدمندی یارانه‌ها تدوین شد؛ قرار بود انرژی به قیمت منطقه‌ای محاسبه و یارانه به مصرف‌کننده نهایی پرداخت شود؛ اما در عمل، یارانه‌ها ثابت ماندند و قیمت انرژی برای صنایع هم‌راستا با رشد دلار افزایش یافت، بدون آنکه سازکاری برای تطبیق آن با درآمد مردم وجود داشته باشد. از همین‌جا، یارانه‌ها ثابت ماند، ولی با افزایش تورم، قیمت انرژی نیز افزایش یافت و عملاً مفهوم «یارانه پنهان» شکل گرفت؛ دولتی که خود در ایجاد تورم و کاهش ارزش پول نقش دارد، حال مدعی است مردم از یارانه‌ای بهره‌مندند که در حقیقت، اصل ماجرا نوعی از سوءمدیریت اوست.

از نگاه منطقی، یارانه به معنای تفاوت میان قیمت تمام‌شده کالا و قیمت فروش آن به مصرف‌کننده، پدیده‌ای واقعی است که وجود آن در اقتصاد ایران انکارناپذیر است، اما نحوه محاسبه و تفسیر آن اغلب دچار خطا و ساده‌انگاری است. یکی از ایرادات اصلی، اتکا به قیمت‌های جهانی به جای هزینه‌های واقعی تولید داخلی است؛ در حالی که ایران در برخی حوزه‌ها، مانند انرژی، مزیت تولید ارزان دارد. همچنین، با مقایسه قیمت دلاری کالاها با درآمدهای ریالی مردم، تصویری اغراق‌آمیز از میزان یارانه پنهان ارائه می‌دهد. استفاده از قیمت‌های متفاوت ارز (نیمایی یا آزاد) نیز موجب نتایج متناقض و ناپایدار می‌شود. تناقض عجیب آنجاست که دولت نرخ آزاد را قاچاق می‌داند، اما در محاسبات رسمی به آن استناد می‌کند. افزون بر این، بی‌توجهی به ابعاد اجتماعی و رفاهی یارانه‌ها، سبب می‌شود سیاست‌های اصلاحی به زیان طبقات ضعیف تمام شود.

در این خصوص سخن بسیار است اما در مجموع دولت باید توجه داشته باشد که اگر چه یارانه پنهان وجود دارد اما نباید گرفتار محاسبات اشتباه شود؛ اصلاح نظام یارانه‌ای باید با محاسبات شفاف، معیارهای بومی و در نظر گرفتن عدالت اجتماعی همراه باشد تا اجرای آن منجر به ضد رفاه نشود. **[علی محمدی]**

▼ خبر ویژه

حق غنی‌سازی؛ خط قرمز ایران!

«مارکو روبیو» وزیر خارجه آمریکا در تازه‌ترین اظهارات خود، ضمن ردّ حق غنی‌سازی اورانیوم برای ایران، اعلام کرد ایران در صورت تمایل به برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز، می‌تواند اورانیوم غنی‌شده را وارد کند! این موضع با سخنان «ویتکاف» نماینده آمریکا در مذاکرات هسته‌ای، که درباره به رسمیت‌شناسی حق غنی‌سازی ایران و محدود کردن مذاکرات به مسائل هسته‌ای سخن گفته، در تضاد است. این تناقضات ممکن است ناشی از دو احتمال باشد: اول، وجود اختلافات درونی میان مقامات آمریکایی درباره غنی‌سازی ایران و دوم، تلاش کاخ سفید برای ارسال پیام‌های گوناگون با هدف فشار بر ایران در جریان مذاکرات. با این حال، ایران بر خط قرمز خود مبنی بر غنی‌سازی صفر درصدی تأکید دارد که در مذاکرات مسقط و رم نیز مطرح شده است. تیم مذاکره کننده هسته‌ای کشورمان، بر دستیابی به توافقی عزتمندانه با تضمین‌های قوی و راستی‌آزمایی تأکید دارد. در این شرایط، درخواست آمریکا برای غنی‌سازی صفر درصدی به توقف مذاکرات منجر خواهد شد، که البته پیامدهای سنگینی برای واشنگتن و رژیم صهیونیستی دارد!

دو راهی ترامپ و نتانیاهو!

«توماس فریدمن» کارشناس برجسته روابط بین الملل گفت: «ترامپ» و «نتانیاهو» دو چهره اصلی سیاست‌های ضدایرانی آمریکا و رژیم صهیونیستی، در حال حاضر در موقعیتی پیچیده قرار دارند. ترامپ در پی دستیابی به یک پیروزی دیپلماتیک از طریق مذاکرات است، در حالی که نتانیاهو همچنان خواهان نابودی کامل برنامه هسته‌ای ایران است! این تفاوت در اهداف، موجب شده که اتحاد آنها در موضوع ایران ظاهری باشد. ترامپ از درگیری نظامی با ایران اجتناب می‌کند، اما نتانیاهو همچنان بر گزینه حمله محدود به ایران تأکید دارد! اگر مذاکرات به توافقی منجر شود که اسرائیل آن را تهدیدآمیز بداند، تنش‌ها میان دو طرف افزایش خواهد یافت. فشارهای داخلی در آمریکا و اسرائیل نیز می‌تواند این اختلافات را تشدید کند، به‌ویژه اگر نتانیاهو برای جلب حمایت عمومی در اسرائیل، ترامپ را متهم به ناکامی در مهار ایران کند! آینده این اتحاد به نتیجه مذاکرات و واکنش‌های بعدی بستگی دارد.»

صد روز شکست!

در حالی که تنها صد روز از دومین دوره ریاست‌جمهوری «دونالد ترامپ» می‌گذرد، نشریه‌ها و تحلیلگران به ناکامی‌های گسترده او در عمل به وعده‌های انتخاباتی اشاره کرده‌اند. «کونومیس» در گزارشی با جلد نمادین از عقابی با بال‌های شکسته، این دوره را نشانه‌ای از افول هژمونی آمریکا معرفی کرده است. وعده‌های پرطمطراق ترامپ، همچون «بازسازی زیرساخت‌ها»، «یجاد میلیون‌ها شغل» و «پایان جنگ اوکراین در یک روز» همگی با چالش‌های جدی روبه‌رو شده‌اند. در زمینه اقتصادی، کاهش مالیات نه تنها موجب رونق نشد، بلکه تورم و شکاف طبقاتی را تشدید کرد. در حوزه سیاست خارجی، ترامپ نتوانست در جنگ اوکراین میانجیگری کند و حتی قادر به مذاکره مستقیم با ایران هم نشد. افزون بر این، بحران مهاجرت و ناتمامی پروژه دیوار مرزی نیز به ناکامی‌هایش افزوده است.

جهان در آستانه مسابقه هسته‌ای جدید!

به گزارش «فارن افرز»، راهبردهای ترامپ در تعامل با متحدانش زمینه‌ساز آغاز عصر جدیدی از اشاعه هسته‌ای است. به‌طور خاص، این بار نه کشورهای مخالف ایالات متحده، بلکه متحدانی، چون بریتانیا و فرانسه، به‌منظور حفظ منافع ملی خود از اصول رژیم اشاعه هسته‌ای عبور می‌کنند. این گزارش در ادامه می‌نویسد: «اقدامات ترامپ در زمینه تضعیف نظم بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم، به‌ویژه در زمینه برنامه هسته‌ای، منجر به پیامدهایی جدی شده است که به‌نظر می‌رسد دولت وی نسبت به آنها بی‌توجه است. برخی از کشورهایی که پیشتر متحدان ایالات متحده شناخته می‌شدند، اکنون برای تأمین امنیت ملی خود به برنامه‌های هسته‌ای روی می‌آورند. این تغییرات می‌تواند موجب افزایش تنش‌های جهانی و بازگشت به مسابقه هسته‌ای شود.»

آب، خون و سیاست؛ هند و پاکستان در آستانه پرتگاه!

تنش‌ها میان هند و پاکستان پس از حمله تروریستی اخیر در کشمیر به بالاترین حد از زمان نبرد «کارگیل» در ۱۹۹۹ رسیده است. گروه «جبهه مقاومت کشمیر» مسئولیت این حمله را بر عهده گرفته است که در آن ۲۶ نفر، از جمله چند توریست خارجی کشته شدند. هند در واکنش به این حمله توافقنامه آبی دهه ۱۹۶۰ را لغو کرده و تصمیم به قطع جریان آب رودخانه «سند» به پاکستان گرفته است. وزیر خارجه پاکستان این اقدام را «اعلان جنگ» توصیف کرده و واکنش شدید کشورش را پیش‌بینی کرده است. در حال حاضر، نیروهای نظامی دو کشور در مرزها در حالت آماده‌باش قرار دارند و هر دو طرف آمادگی خود را برای مقابله احتمالی به نمایش گذاشته‌اند.

جولانی؛ عروسک خیمه‌شب‌بازی صهیونیست‌ها!

«اسعد الشیبانی» وزیر خارجه حکومت جولانی، در نشست شورای امنیت سازمان ملل با موضوع سوریه اعلام کرد: «سوریه تحت سلطه ما هرگز تهدیدی برای اسرائیل نخواهد بود!» وی با اشاره به پایان اختلافات میان گروه‌های مسلح، گفت: «ما نیروها را متحد کرده‌ایم و دیگر از دوران گروه‌ها عبور کرده‌ایم.» الشیبانی همچنین ضمن خواستار لغو تحریم‌ها علیه سوریه، مدعی شد این اقدام به ثبات و توسعه جهانی کمک می‌کند. او حملات صهیونیست‌ها به خاک سوریه را تهدیدی مستقیم برای ثبات منطقه دانست و از شورای امنیت خواست برای پایان حضور رژیم صهیونیستی در خاک سوریه اقدام کند. در همین حال، منابع آمریکایی پیشتر از تمایل ابومحمد جولانی، سرکرده تروریست‌های تحریرالشام، برای عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی خبر داده بودند.

«حجت‌الاسلام سعیدی» رئیس دفتر عقیدتی فرماندهی معظم کل قوا گفت: «کارشناسان آمریکایی به ترامپ هشدار داده‌اند که درگیری با ایران برای آمریکا گران و خطرناک است.» وی همچنین به نگرانی‌های آمریکا از نزدیکی ایران به روسیه و چین اشاره کرد و ضمن تأکید بر لزوم هوشیاری در مذاکرات بین‌المللی، گفت: «این مذاکرات نباید منجر به شرطی شدن کشور شود.» حجت‌الاسلام سعیدی در ادامه به اهمیت حمایت از جبهه مقاومت و نقش حزب‌الله و انصارالله در شکست آمریکا اشاره کرد.

«سردار نقدی» معاون هماهنگ‌کننده سپاه، در مراسم سالروز شکست عملیات طیس اظهار داشت: «شکست آمریکا در صحرای طیس تنها یک حادثه تاریخی نبود، بلکه تجلی نصرت الهی و قانون استقامت در برابر ظلم است.» او با اشاره به فرمایش امام خمینی (ره) درباره مأمور بودن شن‌ها از سوی خداوند، افزود: «این حادثه نمونه‌ای از کمک‌های الهی به ملت ایران بود که در آن زمان، ارتش تازه از یوغ مستشاران آمریکایی رها شده و سپاه در حال شکل‌گیری بود.»

مقامات آمریکایی در گزارشی به «سی‌ان‌ان» ادعان کردند، توانایی نیروهای یمنی در سرنگونی پهپادهای «ام‌کیو ۹» مانع از پیشرفت عملیات علیه حوثی‌ها شده است. بر اساس این گزارش، در پی حملات شش هفته‌ای، حوثی‌ها موفق به سرنگونی هفت پهپاد آمریکایی شده‌اند که این امر برنامه‌ریزی برای مرحله دوم عملیات را به تأخیر انداخته و اجرای موفقیت‌آمیز مأموریت‌های آمریکا را دشوار کرده است. این در حالی است که بمباران‌های شش‌هفته‌ای تأثیری بر توانایی‌های انصارالله نداشته است.

«فلیپ لازاریونی» رئیس آنروا می‌گوید: «اتهام همدستی با حماس، فقط یک بهانه است. اسرائیل می‌گوید سازمان‌های دیگر جایگزین آنروا هستند، اما این حرف حقیقت ندارد. هدف نهایی ممنوعیت فعالیت آنروا پاک‌کردن تاریخ، هویت و حق بازگشت فلسطینیان است!»

«عیسی کاملی» مدیرکل آمریکای وزارت امور خارجه، اقدام غیرقانونی دولت پاراگوئه علیه نیروهای مسلح ایران را غیرقانونی و نقض قواعد حقوقی - بین‌المللی دانست و آن را نتیجه تبعیت پاراگوئه از سیاست‌های ضد ایرانی رژیم صهیونیستی عنوان کرد. وی افزود: «این اقدام به‌منزله همدستی با جنایتکارانی است که تحت پیگرد دیوان بین‌المللی کیفری قرار دارند.» کاملی تأکید کرد: «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نقشی حیاتی در دفاع از ایران و مقابله با تروریسم ایفا کرده و دولت ایران عزم خود را برای مقابله با هرگونه برچسب‌زنی خصمانه علیه نیروهای مسلح کشور اعلام می‌کند.»

«سید محمد حسینی» معاون پارلمانی دولت شهید رئیسی در توثیتی نوشت: «اگر امروز هم آمریکا به ایران حمله نظامی کند، شکست ۵ اردیبهشت ۵۹ در طیس تکرار می‌شود.»